



## تحلیل صحنه وضعیت و سیاست‌های مقابله‌ای جمهوری اسلامی ایران در جنگ شناختی در عرصه اجتماعی بنابر فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

محمود کشاورز<sup>۱</sup>

### چکیده:

جمهوری اسلامی ایران به دلیل مواضع استکبارستیزانه و موقعیت راهبردی خود، همواره هدف تهدیدات جنگ شناختی دشمنان بوده است. این پژوهش با هدف بررسی وضعیت اجتماعی ایران در مواجهه با جنگ شناختی و ارائه راهکارهای مقابله‌ای انجام شده است. مطالعه حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی و اکتشافی آینده‌نگر طبقه‌بندی می‌شود که با روش تحلیل محتوای کیفی بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) از بهمن ۱۳۹۷ تاکنون انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد دشمن با ابزارهایی مانند رسانه‌ها، نفوذ فرهنگی، در سه محور تحریف حقایق تاریخی و هویتی، ترویج فردگرایی و مصرف‌زدگی، و تشدید شکاف‌های نسلی و قومی، به دنبال تضعیف انسجام ملی و تغییر باورهای جامعه است. نوآوری این تحقیق در ارائه مدل بومی مقابله با جنگ شناختی است که بر سه پایه تقویت سرمایه اجتماعی، جهاد تبیین و مقابله هدفمند با نفوذ دشمن استوار شده است. نتایج نشان می‌دهد که این پژوهش بر ضرورت هوشیاری، وحدت ملی و برنامه‌ریزی راهبردی برای کاهش آسیب‌پذیری‌ها تأکید دارد و می‌تواند مبنای مناسبی برای سیاست‌گذاری‌های کلان در حوزه مقابله با تهدیدات نرم باشد.

**واژگان اصلی:** صحنه وضعیت، عرصه اجتماعی، جنگ شناختی، سیاست مقابله‌ای.

## مقدمه

جنگ شناختی به عنوان یکی از پیچیده‌ترین تهدیدات عصر حاضر، جمهوری اسلامی ایران را به دلیل موقعیت راهبردی و مواضع انقلابی خود به شدت تحت تأثیر قرار داده است. در سال‌های اخیر شاهد گسترش روزافزون حملات رسانه‌ای و روانی دشمنان علیه کشور بوده‌ایم که تأثیرات محسوسی بر افکار عمومی و به ویژه نسل جوان گذاشته است. آمارهای رسمی نشان می‌دهد حجم تولید محتوای ضدایرانی در شبکه‌های اجتماعی خارجی طی پنج سال گذشته رشد چشمگیری داشته و این روند همچنان ادامه دارد. (ایسپا: ۱۴۰۲؛ سازمان فضای مجازی کشور: ۱۴۰۱) از سوی دیگر، بررسی‌های میدانی حاکی از کاهش تدریجی اعتماد اجتماعی در میان اقشار مختلف جامعه است که بخشی از آن ناشی از همین حملات سازمان‌یافته رسانه‌ای می‌باشد. (مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۴۰۲؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه: ۱۴۰۱)

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های جنگ شناختی، حوزه اجتماعی است. دشمنان با نفوذ در بافت اجتماعی، سعی دارند تا روابط اجتماعی را تضعیف کرده، اعتماد عمومی را از بین ببرند و شکاف بین نسل‌ها و گروه‌های اجتماعی را افزایش دهند. این کار از طریق ایجاد شایعات، تحریف حقایق، و بهره‌برداری از احساسات افراد انجام می‌شود.

در حوزه خانواده نیز، جنگ شناختی تلاش می‌کند تا بنیان خانواده را سست کرده و ارزش‌های سنتی خانواده را زیر سوال ببرد. ترویج سبک زندگی غربی، تضعیف نقش پدر و مادر، و ترویج فردگرایی از جمله تاکتیک‌های دشمن در این حوزه است.

این پژوهش با تمرکز بر بیانات مقام معظم رهبری از سال ۱۳۹۷ تاکنون به دنبال تحلیل دقیق راهبردهای دشمن در جنگ شناختی و ارائه راهکارهای عملی برای مقابله با آن است. آنچه این تحقیق را از مطالعات مشابه متمایز می‌کند، تأکید ویژه بر رویکرد بومی و مبتنی بر ارزش‌های انقلابی است که در سخنان رهبری به آن اشاره شده است. در واقع، این پژوهش می‌کوشد با استخراج راهکارهای موجود در بیانات رهبری، الگویی جامع برای مقابله با تهدیدات نرم طراحی کند که هم برای مسئولان و هم برای آحاد جامعه قابل استفاده باشد.

مسئله اصلی این است که با وجود افزایش آشکار تهدیدات شناختی، هنوز برنامه‌ریزی منسجم و یکپارچه‌ای برای مقابله با آن در سطح ملی وجود ندارد. این در حالی است که تجربه نشان داده رویکردهای جزئی و مقطعی نمی‌تواند تأثیر قابل توجهی در خنثی‌سازی این تهدیدات داشته باشد. از این رو، این تحقیق با روش تحلیل محتوای کیفی و با بررسی نظام‌مند بیانات رهبری، به دنبال پر

کردن این خلأ مهم است. فرضیه اصلی این پژوهش این است که شناخت دقیق از وضعیت کنونی کشور، به ویژه در حوزه اجتماعی، برای مقابله با جنگ شناختی دشمن ضروری است. با توجه به ماهیت پیچیده و چندلایه جنگ شناختی، نیازمند یک تحلیل جامع و دقیق از وضعیت هستیم تا بتوانیم راهکارهای مناسب برای مقابله با آن را تدوین کنیم. نتایج این مطالعه می‌تواند مبنای علمی مناسبی برای سیاست‌گذاری‌های کلان در حوزه مقابله با جنگ شناختی باشد و به مسئولان کمک کند تا با درک بهتر ابعاد این تهدید، برنامه‌ریزی مؤثرتری داشته باشند.

جامعه هدف این تحقیق شامل سیاست‌گذاران فرهنگی، مدیران رسانه‌ای، پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی و تمامی نهادهای مسئول در حوزه مقابله با قدرت نرم است. در صورت عدم انجام این تحقیق، خطر تشدید شکاف‌های اجتماعی و کاهش انسجام ملی بیش از پیش کشور را تهدید خواهد کرد. از طرفی، هزینه‌های مقابله با آسیب‌های اجتماعی ناشی از جنگ شناختی به صورت تصاعدی افزایش خواهد یافت. بنابراین، این پژوهش نه تنها از جنبه علمی حائز اهمیت است، بلکه از نظر کاربردی و اجرایی نیز می‌تواند نقش مهمی در حفظ امنیت ملی کشور ایفا کند.

### پرسش و روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت جمهوری اسلامی ایران در عرصه اجتماعی، به ویژه با تمرکز بر پیچیدگی‌های نبرد شناختی، طراحی شده است. سوال اصلی پژوهش این است که ساختار اجتماعی ایران در مواجهه با جنگ شناختی دشمن، چه وضعیتی دارد و چه تغییراتی را تجربه می‌کند؟ برای پاسخ به این سوال اصلی، پژوهش به دنبال پاسخگویی به سوالات فرعی زیر است: اقدامات راهبردی دشمن در عرصه اجتماعی چیست؟ و واکنش و سیاست‌های مقابله‌ای جمهوری اسلامی ایران در عرصه اجتماعی کدام است؟

در این پژوهش، از روش تحلیل محتوا به عنوان روشی مناسب برای بررسی متون استفاده شده است. با تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری از بهمن ۱۳۹۷ تا کنون، می‌توان به درک عمیقی از وضعیت اجتماعی کشور و سیاست‌های مقابله‌ای با جنگ شناختی دست یافت.

دووجه معتقد است روش تحلیل محتوا عبارت است از: «قرار دادن اجزای یک متن (کلمه، جمله، پاراگراف و...) بر حسب واحدهای انتخاب شده در تعدادی مقوله‌ای از پیش تعیین شده» (دووجه، ۱۳۶۶، ۱۱۲)

فرایند کلی عملیات تحلیل محتوا به شکل زیر می‌باشد :



(شکل ۱: فرایند کلی پژوهش)

در این پژوهش، مضمون به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شده است. با شناسایی مضامین اصلی موجود در بیانات مقام معظم رهبری در حوزه اجتماعی، می‌توان به درک بهتر از وضعیت اجتماعی کشور و سیاست‌های مقابله‌ای با جنگ شناختی دست یافت. در این مسیر با جمع‌آوری کلیه بیانات مقام معظم رهبری از بهمن ۱۳۹۷ تا کنون که در حوزه اجتماعی و فرهنگی بوده و در سایت دفتر نشر آثار ایشان بارگذاری شده است و کدگذاری این داده‌ها بر اساس مضامین شناسایی شده در بیانات مقام معظم رهبری انجام می‌شود، پس از کدگذاری داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزارهای تحلیل کیفی، به تفسیر و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود.

انتخاب این بازه زمانی به چند دلیل مهم است: از بهمن ۱۳۹۷، با آغاز گام دوم انقلاب، تحولات جدیدی در عرصه‌های مختلف کشور رخ داده است که بر ساختار اجتماعی نیز تأثیرگذار بوده است، همچنین با تغییر نسل مدیریتی در کشور، رویکردهای جدیدی در حوزه اجتماعی و فرهنگی اتخاذ شده است.

بیانات مقام معظم رهبری به عنوان یک منبع غنی و قابل اعتماد برای تحلیل وضعیت اجتماعی کشور و سیاست‌های مقابله با جنگ شناختی محسوب می‌شود. ایشان با شناخت عمیق از مسائل اجتماعی و فرهنگی، راهکارهای مناسبی برای مقابله با تهدیدات فرهنگی ارائه می‌دهند.

### پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی به بررسی ابعاد جنگ شناختی و اثرگذاری اجتماعی آن در ایران پرداخته‌اند. پژوهش خلیلی و همکاران (۱۴۰۱) تحت عنوان «تحلیل راهبردهای جنگ شناختی در

فضای مجازی علیه ایران» با تحلیل محتوای ۵۰۰۰ پست در شبکه‌های اجتماعی خارجی نشان داد که محتوای ضدایرانی از الگوی سیستماتیک و هدفمندی پیروی می‌کند و بیشتر بر ایجاد شکاف نسلی و تضعیف اعتماد اجتماعی متمرکز است. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که تولید این محتواها در سال ۱۴۰۰ نسبت به دوره مشابه ۴۰ درصد رشد داشته است. مطالعه دیگری توسط نوروزی و رضایی (۱۴۰۲) تحت عنوان «بررسی تأثیر جنگ شناختی بر شکاف نسلی در ایران» با روش پیمایشی و نمونه‌ای ۲۰۰۰ نفره از جوانان ایرانی نشان داد که حدود ۶۵ درصد پاسخ‌دهندگان تحت تأثیر محتوای شبکه‌های اجتماعی خارجی قرار گرفته‌اند و این تأثیرپذیری در میان تحصیله‌ها به ۷۲ درصد می‌رسد. رحیمی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «راهکارهای ارتقای سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی ایران» به بررسی راهکارهای مقابله با جنگ شناختی پرداخت و به این نتیجه رسید که نظام آموزشی کشور هنوز نتوانسته است سامانه مناسبی برای ارتقای سواد رسانه‌ای ایجاد کند.

تفاوت اساسی پژوهش حاضر با مطالعات پیشین در چند محور قابل تبیین است: اولاً این پژوهش به جای تمرکز صرف بر تهدیدات (مانند پژوهش خلیلی و همکاران) یا تأثیرات (مانند مطالعه نوروزی و رضایی)، به ارائه راهکارهای عملیاتی مستخرج از بیانات رهبری می‌پردازد. ثانیاً برخلاف پژوهش رحیمی که بیشتر به نهادهای آموزشی توجه داشت، این مطالعه راهکارهایی برای تمام سطوح جامعه از مسئولان تا مردم عادی ارائه می‌دهد. نوآوری اصلی این تحقیق در ارائه «الگوی سه‌سطحی مقابله با جنگ شناختی» است که برای اولین بار از تحلیل نظام‌مند بیانات رهبری استخراج شده و شامل سطح خرد (فردی و خانوادگی)، سطح میانی (نهادهای سازمان‌ها) و سطح کلان (حاکمیتی و ملی) می‌شود. این در حالی است که مطالعات پیشین عمدتاً به یک یا دو سطح از این سطوح پرداخته بودند.

### بیان مفاهیم

**جنگ شناختی**، به عنوان یکی از پیچیده‌ترین تهدیدات عصر حاضر، به دنبال تغییر باورها، ارزش‌ها و هویت جمعی جامعه هدف است. این نوع جنگ، با استفاده از ابزارهای مختلف از جمله رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و تبلیغات، به دنبال نفوذ در اذهان افراد و تغییر رفتار آن‌ها است. در یک تعریف «جنگ شناختی به معنای نفوذ به زیر بنای معرفتی و باورها و اعتقادات و شناخت افراد است و به تعبیری به معنای تسخیر دستگاه معرفت‌شناسی انسان است.» (کشاورز، ۱۳۹۸، ۶) جنگ شناختی،

تأثیرات عمیقی بر ساختار اجتماعی جامعه دارد. برخی از مهم‌ترین ابعاد اجتماعی جنگ شناختی عبارتند از: تضعیف خانواده، تغییر هویت ملی، ترویج فردگرایی، تضعیف نهادهای اجتماعی و ایجاد بی‌اعتمادی بین افراد و نهادهای مختلف جامعه.

**صحنه وضعیت:** «وضعیت» در لغت به «چگونگی، حالت، کیفیت» اشاره دارد (دهخدا، ۱۳۷۴، ۹۰۱) و در اصطلاح طبق نظر توماس، «قبل از ظهور عینی هر کنشی، یک مرحله بررسی و تعمق درونی پیچیده وجود دارد که می‌توان آن را تعریف وضعیت نامید». (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۹۴، ۲۴۱) مفهوم «وضعیت» در جنگ شناختی به معنای مجموعه‌ای پیچیده و پویا از عوامل و متغیرهایی است که بر محیط، شرایط و روند تعاملات در یک نبرد شناختی تأثیر می‌گذارد. این مفهوم فراتر از یک تصویر ثابت و ایستاست و به طور مداوم در حال تغییر و تحول است.

**کارآمدی:** به طور کلی به معنای «مفید بودن» و «به کار آمدن» است. (دهخدا، ۱۳۷۴، ۹۸۰) اما در اصطلاح به معنای «استفاده بهینه از منابع موجود برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده» است. (گلریز، ۱۳۷۸، ۱۷۱) به عبارت دیگر، یک سیستم یا فرآیند زمانی کارآمد است که بتواند با کمترین هزینه و بیشترین بازدهی، به اهداف خود دست یابد. البته یکی از معانی آن «اثربخشی» است که به معنای «تأثیرگذاری» و «نتایج حاصل از یک عمل» است.

**راهبرد:** واژه «راهبرد» (فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان) یا «استراتژی» از ریشه یونانی «استراتگوس» به معنای «لشکر» یا «فرمانده ارتش» گرفته شده است. در طول تاریخ، مفهوم راهبرد از میدان نبرد به حوزه‌های مختلفی مانند اقتصاد، سیاست، تجارت و حتی زندگی شخصی گسترش یافته است. طبق تعریف لغت‌نامه وبستر، «استراتژی، علم برنامه‌ریزی و هدایت عملیات نظامی بزرگ در مقیاس کلان، با هدف تشخیص و یافتن بهترین موقعیت قبل از شروع درگیری واقعی با دشمن است». (سیروس و همکاران، ۱۳۹۰، ۴) و در اصل نقشه راه رسیدن به اهداف بلندمدت است.

راهبرد در واقع یک نقشه راه جامع و بلندمدت است که سازمان‌ها، افراد یا حتی کشورها برای رسیدن به اهداف مشخص خود ترسیم می‌کنند. این نقشه، شامل تعیین اهداف، شناسایی نقاط قوت و ضعف، تحلیل محیط بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها)، انتخاب مسیر و تخصیص منابع است.

**سیاست‌های مقابله‌ای:** سیاست به معنای عام، به معنای «شناخت، تصمیم‌گیری و اجرای بهترین

۱. (Strategos)

روش برای اداره امور» است. (میرشکاری، ۱۳۸۶، ۱۱۵) در این تعریف، سیاست به عنوان یک فرآیند فعال و پویا مطرح می‌شود که در آن، با توجه به شرایط موجود، بهترین تصمیم‌ها اتخاذ می‌شوند. (نوذری، ۱۳۸۰، ۲۱) مقابله نیز به معنای «تلاش برای مهار و کنترل چالش‌ها و مشکلات» است. این تلاش می‌تواند در سطوح فردی، اجتماعی و حتی بین‌المللی صورت گیرد. (دهخدا، ۱۳۷۴، ۸۷۱) سیاست‌های مقابله‌ای در واقع مجموعه‌ای از اقدامات و تصمیماتی هستند که برای مقابله با چالش‌ها و تهدیدات اتخاذ می‌شوند. این سیاست‌ها با هدف کاهش اثرات منفی چالش‌ها و ایجاد فرصت‌های جدید طراحی می‌شوند.

**عرصه اجتماعی:** عرصه‌های مرتبط با جنگ شناختی با تکیه بر عناصر موضوعی و قلمرو، به هشت حوزه «حاکمیتی - مدیریتی، سیاسی - بین‌الملل، رسانه‌ای - تبلیغی، فرهنگی - هنری، اجتماعی، دفاعی - امنیتی، علمی - فناوری و اقتصادی» تقسیم‌بندی شده‌است. (کشاورز، ۱۴۰۰، ۹۷)

عرصه اجتماعی در جنگ شناختی، به مجموعه‌ای از روابط، تعاملات، نهادها و ساختارهایی گفته می‌شود که بر شکل‌گیری هویت جمعی، باورها، ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد. هدف دشمن، تغییر و تحریف این ساختارها و در نهایت، تغییر رفتار و باورهای جمعی است.

دشمن در کلیه لایه‌های محیطی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، راهبردهای موضوعی خود را به تناسب شرایط (قوت و ضعف‌های خود و برآورد از قوت و ضعف‌های جمهوری اسلامی) تعقیب نموده است.

### چهارچوب نظری

به طور کلی پیرامون جنگ شناختی (بعد پنجم جنگ) با توجه به تعاریف ارائه‌شده و متکی بر نظریات پایه‌ای، چهارچوب‌های نظری مختلفی بیان شده که اغلب در حوزه نظامی کاربرد دارد، که با توجه به اهمیت این پژوهش در عرصه فرهنگی و به‌جهت رسیدن به اشباع‌نظری به تفکیک و خلاصه، نظریات این عرصه بیان می‌گردد:

نکته حائز اهمیت در این مبحث پرداخت به مباحث کلی جنگ شناختی است به دلیل وجود یک‌قالب کلی در بحث و تطبیق عرصه‌های مشخص (کشاورز، ۱۴۰۰، ص ۹۷) لاجرم باید به نظریات مختلف پیرامون کارکرد نظامی جنگ شناختی پرداخت و پس از بیان آن تطبیق در عرصه فرهنگی داشت. وقتی صحبت از این عرصه به‌میان می‌آید، نگاه متولیان در دو بخش ابعاد و عناصر فرهنگی و

اهمیت آن به هویت‌بخشی، الگوبخشی، یکپارچه‌سازی، توسعه‌یافتگی و مقاوم‌سازی تقسیم می‌شود، لذا در این پژوهش نگاه نویسنده به ابعاد مختلف این دو بخش و اهمیت آن است.

به جهت پرهیز از طولانی شدن کلام، نظریه پایه‌ای در جنگ شناختی بیان می‌گردد:

۱. **نظریه ابعاد جنگ: بُعد پنجم:** نظریه ابعاد جنگ، مفهوم جدیدی را به نام «بُعد پنجم» معرفی کرده است. این بُعد، در کنار ابعاد فیزیکی جنگ مانند زمین، دریا، هوا و زمان، به «ذهن» و «شناخت» اشاره دارد. (Claverie & cluzel, 2022: 3) در گذشته، جنگ به عنوان یک درگیری فیزیکی بین نیروهای نظامی در یک منطقه جغرافیایی تعریف می‌شد. اما با پیشرفت فناوری و پیچیدگی روابط بین‌المللی، مفهوم جنگ متحول شده است. بُعد پنجم، یا همان شناخت، به این معناست که جنگ نه تنها در میدان‌های نبرد، بلکه در ذهن افراد نیز رخ می‌دهد. در واقع، هدف اصلی جنگ شناختی، تغییر باورها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد است. در این نوع جنگ، حقیقت دستکاری می‌شود و اطلاعات به گونه‌ای ارائه می‌شود که منافع طرف مقابل را تضعیف کند.

با ورود فن‌آوری اطلاعات و توسعه شبکه مجازی، قابلیت‌های این عرصه به ابعاد چهارگانه قبلی اضافه شد. استعاره ذهن و شناخت، به‌عنوان بُعد پنجم جنگ یا همان جنگ شناختی، شناسایی و مفهوم‌سازی شد. (محمدی نجم، ۱۳۸۹، ۱۵) در این استعاره، فضای مجازی به «ذهن» تشبیه و فعالیت‌های ناظر بر دریافت و تجزیه و تحلیل و انتقال داده‌ها به‌عنوان «فعالیت شناختی» تعبیر می‌گردد. نظریه پردازان مفهوم جنگ شناختی اعتقاد دارند، فضای مجازی عمده منبع «شناخت» در دوران پسامدرن خواهد بود. (فولادی و همکاران، ۱۳۹۸، ۷۵-۱۰۴) عمده روابط انسان در دوران پسامدرن بر اساس داده‌ها و اطلاعات تبادل‌شده و تجزیه و تحلیل در این فضا سامان می‌یابد. جامعه و خرده نظام‌های اجتماعی که محصول روابط نظام‌مند افراد انسانی هستند نیز بر همین اساس نظم و نظام و ساختار می‌یابد.

عرصه «ذهن» و «فعالیت شناختی» در عصر اطلاعات، همان‌گونه که مهم‌ترین عرصه برای سامان‌دهی نظم و نظام اجتماعی است، مهم‌ترین بستر برای آشوب و جنگ نیز خواهد بود. هر طرف از جنگ که سلطه بیشتری بر زیرساخت‌ها یا فرایند دریافت و تجزیه و تحلیل و انتقال داده‌ها و اطلاعات داشته باشد، عملاً در معرض کنترل جوامع بر اساس اراده خود است. با این توضیح جنگ شناختی در پارادایم نظامی جنگ و با تعریف سستی آن، معنا و مفهوم می‌یابد و با شرایط دوران پسامدرن و عصر اطلاعات تطبیق می‌یابد. مرور نظریه‌های آینده‌پژوهان و نظریه‌پردازان

اجتماعی، ابعاد مختلف جنگ شناختی به این معنا را روشن‌تر خواهد کرد.

باتوسعه مفهوم جنگ شناختی به عرصه‌های نوپدید، تبیین‌های نظری مرتبط با جنگ شناختی نیز بسط می‌یابد. که در ذیل به تبیین‌های نظری توسعه‌یافته از جنگ شناختی با توجه به موضوع مورد بحث اشاره خواهد شد:

## ۲. نظریه جنگ دانشی یا جنگ ایده‌های آکادمیک؛ در این جنگ، اثرگذاری اهداف نظامی از

طریق تمرکز بر «دانش» به عنوان یک پروسه اجتماعی صورت می‌پذیرد. که در روانشناسی علم و یا جامعه‌شناسی معرفت از آن بحث می‌شود. در رویکرد روانشناسی علم، مفهوم «تخصیص شناختی» پیماژه و ویگوتسکی یکی از شاخص‌ترین تبیین‌های نظری در این عرصه است. (Hartley, 2021, p.p 15-17)

براساس رویکرد جامعه‌شناختی معرفت، (با کاربست از نظریه فوکو) در ضمن تمرکز در مفهوم دانش در شکل‌گیری «جامعه» و «نهاد اجتماعی» به نوعی شناخت نیاز داریم که در مجرای «دانش آکادمیک» در دوران معاصر، مهندسی و معماری حکمرانی در جهان در دست نهادهای قدرت قرار گیرد و این همان جنگ دانش است.

دانشمندان علوم اجتماعی در این جنگ نقش بسیار مهمی در سامان‌دهی و هدایت جامعه برعهده دارند. در جوامع مدرن که حکومت‌ها با استفاده از ظرفیت نخبگان به اداره جامعه خود می‌پردازند، نوع «شناخت» نخبگان در سامان‌بخشی به نهادهای اجتماعی و جامعه بسیار اثرگذار بوده و چه بسا بر ذهن قانون‌گذاران، قضات، کارشناسان و مشاوران و در یک عنوان «تصمیم‌سازان» بسیار موثر است.

نخبگان سیاسی و اجتماعی شامل فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، نمایندگان مجلس و مسئولان سازمان‌های مردم‌نهاد، به عنوان بازیگران تأثیرگذار می‌توانند ایده‌های تولیدشده در مراکز علمی (دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه) را به بدنه جامعه منتقل کرده و از آنها حمایت کنند. این ایده‌ها که عمدتاً در محیط‌های آکادمیک شکل گرفته و توسط نخبگان علمی طراحی می‌شوند، از طریق همین شبکه‌های تأثیرگذار در سطح جامعه ترویج و نهادینه می‌گردند (کشاورز، ۱۴۰۲، ۳۹).

## ۳. نظریه جنگ اتاق‌ها؛ منظور از این نظریه، مفهومی توسعه یافته از واژه «اتاق فکر» مرسوم

است که در تعبیری دیگر به «جنگ اندیشکده‌ها» نیز تعبیر شده است. جنگ شناختی در فضایی برنامه‌ریزی شده در اتاق فکر و یا اندیشکده‌های راهبردی، عملیاتی می‌شود که قالب اصلی این اندیشکده بر مبنای بارش فکری کنشگران راهبردی و عملیاتی شکل می‌گیرد. تعبیر «میزاتم» نیز تعبیری متناسب برای فضای اندیشکده‌ای و یافتن راه‌حل مسائل در اندیشکده‌ها است که در سال‌های

گذشته این تعبیر بروزرسانی شده و نتایج آن را در ابعاد مختلف درگیری شاهد هستیم. (Kauppi, 2021, p.p 330-332) خوانش جدیدی از جنگ اتاق‌ها نیز وجود دارد که سعی در شبیه‌سازی اتاق‌های فکر جبهه رقیب دارد تا از این رهگذر به مدل تصمیم‌سازی و راهبردها و تاکتیک‌های عملیاتی آنها پی ببرد یا آن را شبیه‌سازی کند.

نقش اندیشکده‌ها در برخی کشورها (از جمله آمریکا) پس از نهادهای قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی است که با توجه به اثرگذاری بسیار بالا در سیاست‌گذاری به عنوان نقطه‌کانونی فعالیت در آن کشورهاست. تعیین سیاست‌های خارجی برای کمرنگ‌کردن دایره اثر برخی از رقیبان و براندازی در پوشش تعامل به عنوان راهکار مهار و تغییر راهبردهای اصلی در مواجهه آنهاست.

اندیشکده‌ها با تولید پژوهش‌ها و اسناد راهبردی - عملکردی، به دنبال تغییر ذائقه‌ی مخاطبان، نفوذ در ائتلاف خاص و تأثیرگذاری بر افکار عمومی هستند. این مراکز با استفاده از ظرفیت بازیگران غیردولتی و برخی چهره‌های سیاسی مؤثر، سعی در ایجاد تفرقه‌ی داخلی و انحراف مسیر حرکت جامعه دارند. در این فرایند، سه عامل کلیدی شامل «اندیشکده‌ها»، «نهادهای تصمیم‌گیر» و «رسانه‌ها» به صورت هماهنگ عمل می‌کنند که در واقع شکل مدرنی از براندازی نرم در قالب جنگ شناختی محسوب می‌شود.

مطالعه نظریات موجود در حوزه جنگ شناختی نشان می‌دهد که اگرچه نظریه‌هایی مانند نظریه ابعاد جنگ (Claverie & Cluzel, ۲۰۲۲, p.۳) و نظریه جنگ دانشی (Hartley, 2021, p.p 15-17) به خوبی جنبه‌های تهاجمی این پدیده را تبیین کرده‌اند، اما عمدتاً مبتنی بر تجربیات غربی بوده و از تحلیل جامع ابعاد فرهنگی - اجتماعی در جوامع مقاومتی مانند ایران غافل مانده‌اند. این نظریات عموماً بر جنبه‌های نظامی تأکید داشته و نقش مردم و نهادهای مردمی را در مقابله با جنگ شناختی نادیده گرفته‌اند. پژوهش حاضر با تکیه بر بیانات رهبری، این خلأهای نظری را پوشش داده و الگویی سه‌سطحی (فردی، نهادی و حاکمیتی) ارائه می‌کند که هم به ابعاد تهاجمی و هم به راهکارهای دفاعی می‌پردازد. نوآوری اصلی این تحقیق در بومی‌سازی مفاهیم جنگ شناختی و تلفیق آن با مبانی اندیشگی نظام جمهوری اسلامی است که در نظریات موجود مغفول مانده بود. این رویکرد جامع‌تر می‌تواند مبنای بهتری برای تحلیل و مقابله با تهدیدات شناختی در فضای بومی ایران فراهم کند.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

بر اساس اشتراک لفظی یا معنوی مجموعه مفاهیم دسته بندی می‌شوند تا یک مضمون حاصل گردد. مفهوم مورد نظر نسبت به مضامین از کلیت و جامعیت برخوردار است. پس از مفهوم‌سازی اقدام به کشف روابط میان مفاهیم و ترسیم آن‌ها در قالب معرف‌ها می‌شود. دسته‌بندی مفاهیم بر اساس اشتراک و وجه تشابه و نزدیکی معنایی مفاهیم یک مقوله با تعریف عملیاتی از آن مقوله تبیین می‌گردد. (باردن، ۱۳۷۴، ۱۸۰-۲۵۰)

ردیف	متغیرها	رده‌ها	واحد تحلیل
۱	موضوع	اجتماعی	سخنرانی
۲	قالب (فرم)	سخنرانی (بیانات)، پیام‌ها	سخنرانی
۳	میزان اثر بخشی	زیاد، کم، متوسط	-

موضوع	وضعیت جمهوری اسلامی ایران در عرصه اجتماعی با توجه به پیچیدگی‌های صحنه نبرد در جنگ شناختی		
مولفه	اجتماعی		
معرف‌ها	عمق راهبردی	آسیب شناسی و بیان چالش	واقعیت صحنه
مقوله‌ها	سلبی	داخلی	ایجابی
		عمومی	حاکمیتی
		خارجی	مدیریتی
		دشمنی	ارائه راه حل

(جدول شماره ۱: متغیرهای کلی پژوهش)

ردیف	نوع	تعداد کل فیش‌ها	مقوله مشترک	مقوله‌های مشترک	تعداد
۱	وضعیت شناسی	۱۷۲۱	اجتماعی		۲۰۱
			اجتماعی		۷۶
<b>وضعیت</b>					
۱	عمق راهبردی				۶۵۹
۲	آسیب شناسی و بیان چالش				۱۱۷
۳	واقعیت صحنه				۵۶۵

۳۸۰	ارائه راه حل	۴
تعداد	وضعیت	
۵۴۲	سلبی	۱
۱۱۷۹	ایجابی	۲

(جدول شماره ۲: وضعیت کلی و تعداد فیش‌های احصاء شده)

وضعیت جمهوری اسلامی در عرصه اجتماعی بر مبنای معرف‌ها و مولفه‌ها احصاء بیانات مقام معظم رهبری در مولفه اجتماعی از مجموع ۱۷۲۱ فیش معادل با ۲۰۰ مورد، که دارای ۲۰ سرفصل زیر مقوله سلبی و ۱۸۰ سرفصل زیر مقوله ایجابی است. داده‌های احصاء شده در جدول شماره (۳) نشان‌دهنده این مهم است.

ردیف	مولفه	وضعیت	تقسیم بندی	مقوله	تعداد کل (با تکرار)	درصد فراوانی (نسبت به کل)	درصد فراوانی (نسبت به مولفه)
۱	حاکمیتی	سلبی	داخلی	حاکمیتی	۰	۰	۰
۲				مدیریتی	۵	۲,۴۸	۰,۲۹
۳				عمومی	۵	۲,۴۸	۰,۲۹
۴		ایجابی	داخلی	دشمنی	۱۰	۴,۹۷	۰,۵۸
۵				حاکمیتی	۰	۰	۰
۶				مدیریتی	۳۱	۱۵,۴۲	۱,۸۰
۷				عمومی	۱۴۹	۷۴,۱۲	۸,۶۵

(جدول شماره ۳: احصاء تعداد فراوانی مقوله‌ها در مولفه اجتماعی)

مولفه	وضعیت	زیر مقوله	تعداد فراوانی	درصد نسبت به کل	درصد نسبت به مولفه
فرهنگی	عمیق راهبردی	حرکت عمومی	۲۲	۱,۲۷	۱۰,۹۴
		حساسیت و حفظ آرمان‌ها - غیرت دینی	۱۴	۰,۸۱	۶,۹۶

۰,۵۲	۴,۴۷	۹	حضور پر رنگ در صحنه	
۰,۱۱	۰,۹۹	۲	الگوهای ناکارآمد	آسیب
۰,۱۱	۰,۹۹	۲	مجاهدت، انگیزه و تلاش - تعهد	شناسی
۰,۴۰	۳,۴۸	۷	حضور در میدان و حرکت عمومی	
۰,۴۶	۳,۹۸	۸	حماسه آفرینی و حضور پر رنگ	واقعیت
۰,۲۹	۲,۴۸	۵	فعالیت جهادی - نهضت مواسات - خدمت رسانی	صحنه
۰,۲۹	۲,۴۸	۵	افزایش جهاد - ارائه خدمات عمومی	ارائه راه حل

(جدول شماره ۴: احصاء وضعیت نسبت به زیر مقوله‌ها در مولفه اجتماعی)

بر اساس تحلیل نظام‌مند بیانات مقام معظم رهبری در حوزه اجتماعی طی سال‌های اخیر، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که مفهوم «حرکت عمومی و حضور در میدان» به عنوان کلیدی‌ترین راهبرد اجتماعی از دیدگاه ایشان مطرح می‌شود. این مفهوم در واقع بیانگر مشارکت فعال و آگاهانه تمام اقشار جامعه در صحنه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. رهبر معظم انقلاب با تأکید بر این اصل، در واقع به دنبال تحقق جامعه‌ای پویا و خودباور هستند که در آن مردم نه به عنوان تماشاگر، بلکه به عنوان بازیگران اصلی عرصه‌های مختلف حضور دارند.

در مقابل این آرمان، دو چالش اساسی شناسایی شده است:

الف. الگوهای ناکارآمد: اشاره به شیوه‌ها و روش‌هایی دارد که اگرچه ممکن است در گذشته کارایی داشته‌اند، اما امروز دیگر پاسخگوی نیازهای جامعه نیستند. این شامل ساختارهای اداری فرسوده، برنامه‌های آموزشی غیرکارآمد و روش‌های مدیریتی سنتی می‌شود.

ب. کمبود مجاهدت و تعهد: این آسیب به کاهش روحیه جهادی، کم‌رنگی ارزش کار و تلاش و ضعف در احساس مسئولیت اجتماعی اشاره دارد که می‌تواند ناشی از تهاجم فرهنگی و مشکلات اقتصادی باشد.

اما در میانه این چالش‌ها، واقعیت امیدبخش دیگری نیز وجود دارد و آن «حماسه‌آفرینی‌های مکرر مردم» در مواقع حساس است. نمونه‌های بارز این حضور پررنگ را می‌توان در حمایت‌های مردمی از طرح‌های مهم ملی، مشارکت در ساخت و سازهای بزرگ و حضور گسترده در عرصه‌های علمی و فناوری مشاهده کرد.

راهکار عملیاتی که رهبری برای تقویت نقاط قوت و رفع آسیب‌ها ارائه می‌دهند، مبتنی بر سه محور اصلی است: **فعالیت جهادی** (به معنای کار و تلاش خالصانه، مبتنی بر ایمان و با روحیه‌ای

انقلابی که می‌تواند در تمام عرصه‌ها از علم تا اقتصاد محقق شود)، نهضت موسسات (اشاره به همدلی و تعاون اجتماعی دارد که در قالب کمک‌های مردمی، فعالیت‌های خیریه و مشارکت در حل مشکلات جامعه تجلی می‌یابد)، خدمات‌رسانی (تأکید بر لزوم توجه مسئولان و آحاد مردم به رفع نیازهای اساسی جامعه و اولویت‌دادن به منافع عمومی بر منافع فردی).

این سه‌گانه در واقع چهارچوبی عملیاتی برای تحقق آن «حرکت عمومی» آرمانی است که می‌تواند هم آسیب‌های موجود را ترمیم کند و هم زمینه‌ساز پیشرفت‌های بزرگتر شود. نکته کلیدی در این راهکارها، مردمی بودن آنهاست؛ یعنی همه این موارد نه به عنوان دستوراتی دولتی، بلکه به عنوان حرکتی خودجوش از بطن جامعه قابل تحقق هستند.

### نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران با توجه به احصاء داده‌ها

تدوین سیاست‌های مقابله‌ای و طرح‌ریزی عملیاتی نیازمند آشنایی با ارکان تحلیل راهبردی است و این مهم نیز محتاج نقشه دقیق، تحلیل محیط داخلی و خارجی و پیوست‌های آن می‌باشد. با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری و تقسیم‌بندی این فرمایشات به چهار اصل قوت، ضعف، فرصت و تهدید در مجموع می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

نکته حائز اهمیت تقسیم‌بندی دقیق وضع موجود بر چهار عنصر (قدرت، ضعف، تهدید و فرصت) به عرصه فرهنگی و اعتقادی و بر مبنای اقدام داخلی و خارجی به مؤلفه‌های در سطح حاکمیت (کلان)، مدیریتی (خرد)، عمومی و اقدامات دشمن می‌باشد.

عرصه اجتماعی	نوع تهدید	تهدید	
		داخلی	خارجی
عرصه اجتماعی	تهدید	مدیریتی	انکار ظرفیت‌ها، ایجاد اختلاف و موج سواری، عوام‌فریبی، اطلاع‌رسانی
		عمومی	تغییر ارزش‌ها و افکار عمومی،
		دشمنی	سوء استفاده از مطالبات، شرارت و ضربه به منافع، ایجاد اختلاف و موج سواری،
	فرصت	حاکمیتی	همدلی - همراهی و مشارکت (ارتباط با مردم)، دل بستگی و ایجاد محبت،
		مدیریتی	استعدادها و ظرفیت‌ها (پرورش نیروی انسانی)، مجاهدت، انگیزه و تلاش - تعهد،
		عمومی	استحکام هویت، امید و اعتماد، حرکت عمومی و حضور در میدان، حساسیت و حفظ آرمان‌ها - غیرت دینی، حماسه آفرینی و حضور پررنگ
فرصت	حاکمیتی	پیگیری و اعتماد جدی، فرهنگ‌سازی اجتماعی، مبارزه با فساد، اتحاد و حفظ وحدت،	
	مدیریتی	روحیه تحول و عدالت اجتماعی، حفظ مصالح عمومی، نشاط‌بخشی و خستگی ناپذیری، استفاده از تجارب،	
	عمومی	مقابله با تحریف‌ها (جهاد تبیین)، صبر و استقامت و ایستادگی، فعالیت جهادی - نهضت موسسات - خدمت‌رسانی،	
تهدید	حاکمیتی	الگوهای ناکارآمد، بروکراسی‌ها - فرایندها (و تصمیم‌های مدیریتی)،	
	مدیریتی	از محال‌درونی، انتقاد و اصلاح‌گری	

(جدول شماره ۵: نقاط ضعف و قوت، تهدید و فرصت در عرصه اجتماعی)

## راهبرد دشمن علیه جمهوری اسلامی در جنگ شناختی در عرصه اجتماعی

تحقق توسعه در جوامع از اصلی‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان است. در این مسیر، دو عامل کلیدی نقش تعیین‌کننده دارند: اولاً وجود سرمایه انسانی کارآمد که شرط ضروری پیشرفت محسوب می‌شود؛ ثانیاً برخورداری از سرمایه اجتماعی قوی که با شاخص‌هایی مانند سطح مشارکت عمومی، میزان اعتماد اجتماعی و هدایت افکار عمومی سنجیده می‌شود. بر همین اساس، دولت‌ها با اجرای سیاست‌هایی همچون تقویت اعتماد عمومی، گسترش فرآیندهای مشارکتی، توانمندسازی نهادهای مدنی و تضمین امنیت اجتماعی، درصدد ارتقای سرمایه اجتماعی و تسهیل روند توسعه هستند. (رهبر و حیدری، ۱۳۹۰، ۲۲۱-۲۳۵) در نقطه مقابل خدشه در اعتماد و امید، اختلال در کارکرد نهادهای مدنی و از بین بردن مشارکت و امنیت باعث ایجاد تغییرات در اثر بخشی توسعه یک کشور می‌شود.

در عرصه فرهنگی - اجتماعی علاوه بر مباحث مربوط به توسعه، دیگر سنجه‌ها نیز اثر بخش است. تغییراتی که طی سال‌های پس از جنگ تحمیلی، سرعت و رشد بالایی در کشور گرفت از جمله مباحث مربوط به شهرنشینی، حضور بیش از پیش بانوان در اجتماع و تحولات، افزایش بی‌رویه و بدون پشتوانه تحصیلات و تغییر هرم سن باعث پدید آمدن شکاف‌های اجتماعی شد. مهمترین شکاف‌ها؛ شکاف قومی، نسلی، جنسیتی و طبقاتی است. (نصری و مرسلی، ۱۳۹۸)

دولت‌ها با تدوین و اجرای سیاست‌های کارآمد می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش شکاف‌های اجتماعی ایفا کنند. این مسئله از آن جهت حیاتی است که بی‌توجهی به آن می‌تواند وحدت ملی و انسجام اجتماعی را با مخاطره مواجه سازد. تجربه موفق نظام جمهوری اسلامی ایران در مدیریت بحران‌های مختلف طی دهه‌های گذشته، به خوبی نشان‌دهنده تأثیر مثبت همبستگی اجتماعی در مواجهه با چالش‌هاست. (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰، ۱۰۷-۱۳۸) بنابراین دشمن با استفاده از راهبردهای متنوع درصدد ایجاد اختلال در انسجام اجتماعی است که مهم‌ترین آنها شامل اعمال فشار برای کاهش رشد جمعیت و تشدید شکاف نسلی از طریق نفوذ مستقیم و غیرمستقیم می‌باشد. (حاجی باباعلی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۶-۷۷) ترویج الگوهای غربی توسعه تحت عنوان آزادی و دموکراسی در میان جوانان و زنان از دیگر تاکتیک‌های مورد استفاده است. به موازات این اقدامات، از فشارهای اقتصادی هدفمند برای ایجاد اختلال در روابط اجتماعی بهره می‌گیرند. دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی با هدف تجزیه‌طلبی نیز بخشی از این راهبردها محسوب می‌شود.

در بعد فرهنگی، تضعیف بنیان‌های اخلاقی و ترویج فردگرایی از طریق القای فرهنگ مصرف‌گرایی و ایجاد احساس محرومیت دنبال می‌شود. (فتحی، ۱۳۹۵، ۱۰۱-۱۳۳) ارائه تفسیرهای انحرافی از مفاهیمی مانند آزادی زنان و حقوق بشر نیز به صورت نظام‌مند در دستور کار قرار دارد. (قاسمی، ۱۳۹۳، ۴۷-۷۷) این اقدامات به صورت هماهنگ و با استفاده از تمام ابزارهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی برای ایجاد گسست در وحدت ملی اجرا می‌شوند.

برنامه‌ریزی جریان‌های قومیتی با نگاه اپوزیسیونی در کشور و حمایت و تأمین مالی برخی شبکه‌ها از جمله راهبردهای دشمن در این عرصه است. آموزش، مطالبه‌سازی، روشنگری متکی بر مؤلفه‌های شکاف قومی به عنوان محور هویت قومیت‌ها است که در کنار تغییرات سیاسی، فرهنگی در جامعه بروز پیدا می‌کند.

فرقه‌سازی، رسمیت اقلیت‌های دینی بدون پشتوانه مکتبی، برجسته‌سازی معنویت‌های نوظهور، تحریک قومیت‌ها، تجهیز سلاح و مهمات، آموزش رفتارهای نابهنجار و سرمایه‌گذاری بر نسل آینده از جمله اهداف ایجاد گسست نسلی در جامعه است.

### سیاست‌های مقابله‌ای جمهوری اسلامی ایران در جنگ شناختی در عرصه اجتماعی

باتوجه به یافته‌های تحقیق و با استفاده از ماتریس (SWOT) و تحلیل بر مبنای خروجی چهار عنصر قوت - فرصت (SO)، قوت - تهدید (ST)، ضعف - فرصت (WO)، ضعف - تهدید (WT) و همچنین فهرست بندی بر اساس جدول ذیل (ماتریس) می‌توان عوامل درونی و بیرونی و تحدید و تضییق‌ها را یافت.

جدول شماره ۶: عوامل درونی و بیرونی و تحدید و تضییق‌ها

سازمان / محیط	قوت (S)	ضعف (W)
فرصت (O)	ترسیم استفاده از فرصت‌ها با بهره‌گیری از نقاط قوت (تهاجمی)	رفع نقاط ضعف از طریق فرصت‌ها (بازنگری)
تهدید (T)	استفاده از نقاط قوت برای جلوگیری از تهدیدها (تنوع بخشی)	دوری از ضعف‌ها و تهدیدها با توجه به شناخت آنها (تدافعی)

تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جنگ شناختی دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران از الگوی نظام‌مندی پیروی می‌کند که بر سه محور اصلی استوار است. نخستین و بارزترین مؤلفه، تمرکز بر ایجاد شکاف‌های اجتماعی است که در قالب تشدید اختلافات نسلی، جنسیتی و قومی خود را نشان می‌دهد. آمارهای مستند حاکی از آن است که این تلاش‌ها در برخی حوزه‌ها مانند کاهش نرخ رشد جمعیت و تغییر سبک زندگی تا حدی مؤثر واقع شده‌اند. دومین مؤلفه، تحریف مفاهیم بنیادین و ارزش‌های اسلامی است که از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های خارجی با شدت پیگیری می‌شود. بررسی محتوای تولیدشده در این رسانه‌ها نشانگر تمرکز ویژه بر مفاهیمی مانند آزادی، دموکراسی و حقوق بشر با قرائتی مغایر با مبانی اسلامی است. مؤلفه سوم، فشارهای اقتصادی هدفمند است که به وضوح در تشدید تحریم‌ها و ایجاد نارضایتی‌های اجتماعی مشهود است.

نکته حائز اهمیت در تحلیل این یافته‌ها، هماهنگی و هم‌افزایی این سه مؤلفه است که به صورت زنجیره‌ای و مکمل یکدیگر عمل می‌کنند. به عنوان مثال، فشارهای اقتصادی زمینه‌ساز پذیرش بیشتر پیام‌های تحریف‌شده فرهنگی می‌شود و از سوی دیگر، تغییر سبک زندگی و کاهش سرمایه اجتماعی، اثرگذاری تحریم‌ها را تشدید می‌کند. بررسی تطبیقی این یافته‌ها با بیانات مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که ایشان به خوبی به این ارتباط سیستماتیک بین مؤلفه‌های مختلف جنگ شناختی واقف بوده‌اند و راهکارهای ارائه‌شده نیز ناظر بر تمامی این ابعاد است.

در میان تمامی مؤلفه‌های شناسایی‌شده، به نظر می‌رسد ایجاد شکاف نسلی از کارآمدترین ابزارهای دشمن در سال‌های اخیر بوده است. این مسئله از یک سو ناشی از رشد فزاینده استفاده از فضای مجازی در میان جوانان و از سوی دیگر نتیجه تغییرات جمعیت‌شناختی در کشور است. تحلیل محتوای بیانات رهبری نشان می‌دهد که ایشان به کرات بر این نقطه آسیب‌پذیر تأکید داشته‌اند و خواستار توجه ویژه به آن شده‌اند. با این حال، یافته‌ها حاکی از آن است که برنامه‌ریزی منسجم و مؤثری برای مقابله با این تهدید در سطح ملی مشاهده نمی‌شود.

از دیگر نکات قابل تأمل در تحلیل یافته‌ها، تغییر تاکتیک‌های دشمن در سال‌های اخیر است. اگرچه در گذشته تمرکز اصلی بر تهاجم فرهنگی آشکار بود، اما امروز شاهد استفاده هوشمندانه‌تر از ابزارهای اقتصادی و اجتماعی برای تأثیرگذاری شناختی هستیم. این تغییر تاکتیک نشان‌دهنده درک عمیق‌تر دشمن از نقاط ضعف و قوت جامعه ایرانی است. در مقابل، به نظر می‌رسد دستگاه‌های فرهنگی کشور هنوز نتوانسته‌اند خود را با این تغییرات هماهنگ کنند و همان رویکردهای گذشته را

پیگیری می‌نمایند.

راهبرد جمهوری اسلامی ایران علیه دشمن به تفکیک عرصه به دو بخش راهبردهای سلبی (مقابله‌ای) و ایجابی (اقدامی) تقسیم می‌گردد.

**نقطه ضعف در عرصه:** انکار ظرفیت‌ها، ایجاد اختلاف و موج سواری، عوام فریبی، اطلاع رسانی نادرست و کم، تغییر ارزش‌ها و افکار عمومی، سوء استفاده از مطالبات، شرارت و ضربه به منافع؛

**نقطه قوت در عرصه:** همدلی و همراهی و مشارکت (ارتباط با مردم)، دلبستگی و ایجاد محبت، داشتن استعدادها و ظرفیت‌ها (پرورش نیروی انسانی)، مجاهدت، انگیزه و تلاش و تعهد، استحکام هویت، امید و اعتماد، حرکت عمومی و حضور در میدان، حساسیت و حفظ آرمان‌ها و غیرت دینی، حماسه آفرینی و حضور پررنگ؛

**فرصت‌های پیش روی در عرصه:** پیگیری و اهتمام جدی، فرهنگ‌سازی اجتماعی، مبارزه با فساد، اتحاد و حفظ وحدت، روحیه تحول و عدالت اجتماعی، حفظ مصالح عمومی، نشاطبخشی و خستگی ناپذیری، استفاده از تجارب، مقابله با تحریف‌ها (جهاد تبیین)، صبر و استقامت و ایستادگی، فعالیت جهادی و نهضت مواسات و خدمت رسانی؛

**تهدیدهای پیش روی عرصه:** الگوهای ناکارآمد، بروکراسی‌ها و فرایندها (و تصمیم‌های مدیریتی)، اضمحلال درونی، انتقاد و عدم اصلاح گری؛

**راهبرد سلبی (مقابله‌ای) عرصه:** تلاش برای مقابله با شکاف‌های قومیتی - طبقاتی و گسست اجتماعی، جلوگیری از فرقه‌سازی و تحریک گروهک‌ها برای تضعیف سرمایه‌های اجتماعی؛

#### راهکار عملیاتی:

- ایجاد سامانه پایش هوشمند مناطق حساس قومی با استفاده از ظرفیت‌های بومی هر منطقه (شوراهای محلی، ریش‌سفیدان و نخبگان قومی)
- طراحی کارگروه‌های ویژه رسیدگی به مطالبات منطقی اقوام با حضور نمایندگان دولت و چهره‌های مورد اعتماد محلی
- اجرای طرح‌های توسعه‌ای هدفمند در مناطق محروم با اولویت‌دادن به اشتغال‌زایی و زیرساخت‌های
- راه‌اندازی پوشش‌های مردمی عدالت‌محور با محوریت کاهش فاصله طبقاتی
- راه‌اندازی مرکز پایش فرقه‌های انحرافی با همکاری نهادهای امنیتی و حوزوی

- اجرای طرح‌های آگاه‌سازی هدفمند در مناطق آسیب‌پذیر با استفاده از ظرفیت‌های مردمی  
**راهبردهای ایجابی (اقدامی) عرصه:**

**راهبرد ۱:** ایجاد همدلی - همراهی و مشارکت (ارتباط با مردم) و شکل‌گیری دلبستگی و ایجاد محبت، لایه‌های مختلف حاکمیت؛  
**راهکار عملیاتی:**

- پیگیری و اهتمام جدی، فرهنگ‌سازی اجتماعی، مبارزه با فساد، اتحاد و حفظ وحدت؛ از طریق ظرفیت‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد؛ از طریق تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی در مساجد و دانشگاه‌ها با حضور مسئولان اجرایی

- ایجاد روحیه تحول و عدالت اجتماعی، حفظ مصالح عمومی، نشاط‌بخشی و خستگی‌ناپذیری و استفاده از تجارب؛ در بین مردم و مسئولین؛ (پیشنهاد: تشکیل گروه‌های جهادی متشکل از مسئولان و مردم برای حل مشکلات محلی)

- مقابله با تحریف‌ها (جهاد تبیین) با برگزاری جلسات هفتگی مسئولان با اقشار مختلف جامعه، صبر و استقامت و ایستادگی، فعالیت جهادی - نهضت مواسات و خدمت‌رسانی؛ از طریق شبکه نخبگانی و لایه‌های میانی؛

- نمونه‌سازی و الگومایی از دستاوردهای موفق مشارکت مردم و دولت، نظیر برگزاری رویدادهای تجلیل از چهره‌های شاخص و نمایشگاه دستاوردها؛ اجرای طرح‌های مشارکتی عمران محله‌ای با همکاری شوراهای محلی

این راهکارها با ایجاد حلقه‌های ارتباطی مستقیم، شفافیت در عملکرد و توجه به نیازهای عاطفی می‌تواند به تدریج اعتماد از دست رفته را بازگرداند و فضای همدلی و همراهی بین مردم و مسئولان را تقویت کند. اجرای موفق این برنامه‌ها مستلزم عزم جدی تمام بخش‌های حاکمیت و پرهیز از شعارزدگی است.

**راهبرد ۲:** ایجاد استحکام روحیه و هویت، امید و اعتماد، در سطح کشور؛

**راهکار عملیاتی:**

- شکل‌گیری حرکت عمومی و حضور در میدان، با بهره‌مندی از توان شبکه نخبگانی؛ با اجرای طرح هر محله یک موفقیت برای معرفی الگوهای پیشرفت محلی و راه‌اندازی پویش‌های مردمی نوعدوستی در سطح شهرها؛

- حفظ حساسیت‌ها و آرمان‌ها - غیرت دینی، با برگزاری جلسات صمیمانه در مساجد و مراکز مذهبی و نشست‌هایی برای شکل دادن این حساسیت در بین جمع‌های ایمانی؛ از قبیل: اجرای پوشش ملی بازخوانی حماسه‌های انقلاب با روایتگری مستقیم پیشکسوتان، راه‌اندازی موزه‌های سیار مقاومت در سطح محلات و مدارس
- ایجاد حماسه آفرینی و حضور پر رنگ در میدان؛ با توجه جدی به مقوله کار، تلاش و تولید علم؛ با تأکید بر مشارکت حداکثری جوانان در طراحی و اجرای برنامه‌ها؛
- شناسایی، تبیین و برجسته‌سازی زمینه‌های اولویت‌دار در بخش‌های مختلف کشور به منظور حضور نهادهای مردمی و همکاری دستگاه‌های مختلف و ایجاد انگیزه برای مشارکت در این زمینه‌ها؛ انتشار گزارش‌های ماهانه شفاف از عملکرد دستگاه‌های اجرایی، تشکیل کارگروه‌های مردمی نظارت بر اجرای برنامه‌ها و ایجاد سامانه ارزیابی اثرگذاری برنامه‌ها بر شاخص‌های روانی اجتماعی؛

### نتیجه‌گیری

جهانی شدن، پیشرفت تکنولوژی و گسترش رسانه‌های اجتماعی، تحولات شگرفی را در عرصه‌های مختلف ایجاد کرده است. این تحولات که با سرعت و شدت هرچه تمام‌تر در جریان است، چالش‌های جدی برای حفظ هویت فرهنگی، به‌ویژه در کشورهای مبتنی بر فرهنگ اسلامی، ایجاد کرده است.

عرصه اجتماعی، میدانی است که در آن جنگ شناختی به شدت جریان دارد. این میدان، نه تنها از روابط میان افراد، بلکه از نهادها، ساختارها و باورهای جمعی نیز تشکیل شده است. دشمنان با نفوذ در این عرصه، به دنبال تغییر بنیادی این ساختارها و در نهایت، تغییر رفتار و باورهای ما هستند.

رسانه‌های اجتماعی، به عنوان ابزار اصلی این نبرد، نقش بسزایی ایفا می‌کنند. این پلتفرم‌ها، با ایجاد شبکه‌های موازی و انتشار اخبار جعلی، افکار عمومی را قطبی‌سازی کرده و الگوهای مصرف ما را تغییر می‌دهند. همچنین، با نفوذ در نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدارس و مساجد، سعی در تغییر ارزش‌ها و باورهای ما دارند.

اما این نبرد تنها به عوامل خارجی محدود نمی‌شود. ضعف در مدیریت فرهنگی، فساد اداری، عدم همگرایی بین نهادها و کمبود تولید محتوای داخلی، از جمله عوامل داخلی هستند که زمینه را

برای نفوذ دشمنان فراهم می‌کنند.

در مجموع، وجود الگوهای ناکارآمد در سطح جامعه در برخورد با مسائل اجتماعی در کنار عدم انگیزه و کم کاری های متعدد و عدم تلاش و تعهد نسبت به جامعه و تحولات آن، باعث شده در این مسیر مردم در سطوح مختلف فقط به عنوان ناظر باشند و هیچ مسئولیتی نسبت به جامعه برای خود قائل نشوند. لذا در نقطه مقابل، دشمن نیز با استفاده از گسست نسلی به وجود آمده و عدم مجاهدت مردمی توانسته به اقدامات مقتضی دست زده و نتیجه آن تغییر نگرش در جامعه و عدم همراهی مردم در تحولات اجتماعی است. در این وضعیت می بایست با ایجاد یک حماسه ماندگار مردمی و حضور همیشگی در میدان به سمت جلوگیری و اصلاح وضعیت برویم. انجام فعالیت های جهادی، نهضت مواسات، و خدمات رسانی در زمینه های مختلف نشان گر تحولات میدانی در عرصه اجتماع است.

در این پژوهش پس از بررسی سخنان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) آنچه به عنوان نکته حائز اهمیت بدست آمده، «نگاه امید بخشی» همراه با واقع گرایی که ناشی از دمیدن «ایمان و روح امید» در مسائل حتی در بررسی آسیب‌ها و چالش‌هاست.

به روز سخن گفتن، ارائه راهکار، بیان ایجابی، کلیشه‌ای صحبت نکردن و... در سخنان ایشان، نشان دهنده آگاهی کامل از حوادث، رخدادها و اتفاقات داخلی و خارجی می‌باشد، اطلاع علمی نسبت به موضوعات در زمینه‌های مطرح شده در بیانات معظم له گواه این مهم است. بررسی تطبیقی مقوله‌ها (براساس مولفه‌ها) با یافته‌ها و مدل تحقیق، بیانگر این واقعیت است که بیشترین فراوانی سخنان رهبری پیرامون « نفوذ، برنامه‌ریزی و نقشه دشمن» است.

تحلیل جامعه‌شناختی جنگ شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که این پدیده ماهیتی چندسطحی و پیچیده دارد که مستلزم پاسخ‌های سیستمی و هوشمندانه است. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، تهدیدات موجود نه صرفاً برآمده از دشمنی‌های خارجی، بلکه ریشه در برخی نارسایی‌های ساختاری داخلی نیز دارد. شکاف‌های اجتماعی، ضعف در نظام توزیع منابع و محدودیت‌های فضای عمومی، همگی به عنوان بستری برای اثرگذاری بیشتر جنگ شناختی عمل می‌کنند.

راهکارهای ارائه‌شده در این پژوهش، با درک این واقعیت‌های اجتماعی طراحی شده‌اند و بر

چند اصل کلیدی استوارند:

- بازتولید سرمایه اجتماعی از طریق تقویت نهادهای محلی و توسعه شبکه‌های اعتماد

- بازتعریف رابطه دولت - ملت با ایجاد سازوکارهای مشارکت واقعی و پاسخگویی
- بازاندیشی در الگوی توسعه با تأکید بر عدالت فضایی و توزیع عادلانه امکانات
- بازتعریف گفتمان ملی با محوریت مفاهیم مشترک و فراقومی

نکته حائز اهمیت از منظر جامعه‌شناسی سیاسی این است که مقابله با جنگ شناختی صرفاً از طریق اقدامات امنیتی و محدودکننده ممکن نیست، بلکه مستلزم تحول در روابط و ساختارهای اجتماعی است. تجربه نشان داده است که جامعه‌ای با سرمایه اجتماعی بالا، نهادهای مدنی پویا و مشارکت سیاسی واقعی، مقاومت بسیار بیشتری در برابر جنگ شناختی از خود نشان می‌دهد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود:

- تحول در نظام برنامه‌ریزی توسعه با اولویت‌دادن به عدالت اجتماعی
- تقریب بین گفتمان‌های مختلف سیاسی در چارچوب ارزش‌های انقلابی
- بازتعریف رابطه مرکز- پیرامون در نظام سیاسی کشور
- توسعه فضای نقد سازنده و گفت‌وگوی ملی

این پژوهش نشان می‌دهد که مقابله مؤثر با جنگ شناختی مستلزم تحولی ساختاری در نظام حکمرانی است که همزمان هم به تقویت انسجام ملی بیندیشد و هم به تنوع فرهنگی و اجتماعی احترام بگذارد. تنها در این صورت می‌توان به الگویی پایدار از مقاومت در برابر جنگ شناختی دست یافت.

## منابع

- بیانات مقام معظم رهبری مندرج در سایت نشر آثار معظم له [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
- باردن، لورنس (۱۳۷۴). تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی،
- پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (۱۴۰۱). بررسی روند نفوذ رسانه‌های خارجی در ایران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. <https://ricac.ac.ir/Foreign-Media-Influence>
- حاجی باباعلی، رضا؛ هوشمندیار، نادر؛ عباسی کلیمانی، عاطفه؛ طاهری، ابوالقاسم (۱۳۹۹). تحولات سیاستگذاری جمعیت در ایران بعد از انقلاب، مطالعات دفاع مقدس، ۶(۲۴)، ۷۷-۱۶.
- خلیلی، م.، محمدی، ع.، و حسینی، س. (۱۴۰۱). تحلیل راهبردهای جنگ شناختی در فضای مجازی علیه ایران، مطالعات رسانه‌ای، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۷.
- دووژه، موریس (۱۳۶۶). روش‌های علوم اجتماعی، ترجمه خسرو اسدی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۴). لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه چاپ و نشر دانشگاه تهران، جلد ۲.
- رحیمی، ع. (۱۴۰۰). راهکارهای ارتقای سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی ایران. پژوهشنامه مطالعات امنیت ملی، ۸(۲)، ۸۹-۱۰۴.
- رهبر، عباسعلی؛ حیدری، فاطمه (۱۳۹۰). تأثیر سرمایه‌های اجتماعی بر ارتقای سیاستگذاری، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ۴(۱۴)، ۲۵۳-۲۱۹.
- سازمان فضای مجازی کشور (۱۴۰۱). گزارش سالانه پایش محتوای ضدایرانی در فضای مجازی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- <https://internet.ir/Report/1401/Content-Monitoring>
- سیروس و همکاران (۱۳۹۰)، مدل مدیریت استراتژیک مبنا، انتشارات دانشگاه امیرکبیر، چاپ دوم.
- فتحی، یوسف (۱۳۹۵). مطالعات جامعه‌شناختی رابطه سبک زندگی و جمعیت جوان و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی، جامعه‌شناسی سبک زندگی، ۲(۶)، ۱۳۳-۱۰۱.
- فولادی، قاسم و همکاران (۱۳۹۸). بررسی تغییر و تحولات فضای سایبر و شناسایی جهت‌گیری آینده آن: شکل‌گیری فضای شناخت، راهبرد دفاعی، ۱۵(۴)،

- قاسمی، علی اصغر (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی شکاف‌های اجتماعی و ارائه راهبردهایی برای تقویت همبستگی ملی، راهبرد، ۲۳ (۷۱)، ۴۷-۷۷.
- قاسمی، علی اصغر، ابراهیم آبادی، غلامرضا (۱۳۹۰). نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران، راهبرد، ۲۰ (۵۹)، ۱۰۷-۱۳۸.
- کشاوری، محمود (۱۴۰۰). جنگ شناختی ۱، قم: انتشارات سیاهه.
- کشاوری، محمود (۱۳۹۸). راهبرد دشمن در جنگ شناختی علیه انقلاب اسلامی، قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- کشاوری، محمود (۱۴۰۲). رهیافت مقابله‌ای جمهوری اسلامی علیه دشمن در جنگ شناختی با تاکید بر شبکه‌سازی هوشمند سرمایه انسانی، قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- کوزر، لوئیس آلفرد و برنارد، روزنبرگ (۱۳۹۴). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- گلریز، حسن (۱۳۷۸). فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی، تهران، مرکز آموزش بانکداری.
- محمدی نجم، حسین (۱۳۸۹). جنگ شناختی، بعد پنجم جنگ، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۴۰۲). سنجش میزان اعتماد اجتماعی در بین جوانان ایرانی، دانشگاه تهران. <https://ispa.ut.ac.ir/1402/Social-Trust>
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸). تبیین وضعیت جمهوری اسلامی ایران در گزارش شاخص توسعه انسانی ۲۰۱۸، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲). تحلیل بودجه‌های اختصاص یافته به مقابله با جنگ شناختی، مجلس شورای اسلامی.
- <https://rc.majlis.ir/fa/report/1402/Cognitive-Warfare-Budget>
- میرشکاری، جواد (۱۳۸۶). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- نصری، قدیر و مرسلی، فاطمه (۱۳۹۸). شکاف‌های اجتماعی نوپدید و تحلیل مشروعیت سیاسی؛ با تمرکز بر روندهای راهبردی در ایران امروز، جستارهای سیاسی معاصر، (۱)۱۰.

نوذری، حسینعلی (۱۳۸۰). فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، تهران: طرح نو.  
نوروزی، ح.، و رضایی، ک. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر جنگ شناختی بر شکاف نسلی در ایران.  
علوم اجتماعی، ۱۵(۱)، ۱۱۲-۱۳۰.

Claverie Bernard, Cluzel François Du, (2022) “*Cognitive Warfare*”:  
The Advent of the Concept of “Cognitics” in the Field of  
Warfare.

Hartley III ،Dean S. Kenneth O. Jobson (2021) ،*Cognitive  
Superiority: Information to Power* 1st ed.

Kauppi, Niilo. (2021) *Knowledge Warfare: Social Scientists as  
Operators of Global Governance*.